

بالاترین قله علوم و فنون و مطلوب‌ترین سنگر برای پاسداری از ارزشها؛ بیشترین مسؤلیت را در اصلاح و هدایت جامعه بر عهده دارند. به همین دلیل است که امام راحل رضوان الله تعالی علیه فرمودند: "اگر دانشگاه اصلاح بشود، جامعه اصلاح می‌شود." و از همین روست که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، مکرراً، و از سویدای دل بر اصلاح و اسلامی کردن دانشگاهها تأکید می‌فرمایند.

اما سخن این است که چه باید کرد؟ ویژگیهای دانشگاه اسلامی چیست؟ وضع موجود دانشگاههای ما چگونه است؟ مؤثرترین روشهای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب کدام است؟ پرچمداران نهضت اسلامی کردن دانشگاهها چه کسانی باید باشند؟ آیا زبان مشترکی میان تمامی آنان که داعیه اسلامی کردن دانشگاهها را (از نظر "معنا و مفهوم" اسلامی کردن دانشگاهها) دارند، وجود دارد؟ نقش خانواده‌ها در این ارتسباط چیست؟ نظام آموزشی پیش از دانشگاه، از مرحله پیش دبستانی تا دبیرستان، در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها چه نقش و تأثیری دارد؟ رسانه‌های ارتباط جمعی فراگیر، مجموعه باورها، نگرشها، باوردها و فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه را چگونه می‌توان با اندیشه اسلامی کردن دانشگاهها همسو کرد؟ و ...

واقع امر این است که پاسخ دادن به همه این سؤالات و دهها سؤال مشابه دیگر، کارآسانی نیست و به دور از شعارها و سطحی‌نگریها، نیاز به تأمل، تفحص و رایزنی و شور و مشورت بسیار دارد. بارها رهبر حکیم انقلاب اسلامی، با بیان اصلی‌ترین مسائل دانشگاهها و تبیین



تأملی در : فرایند اسلامی کردن دانشگاهها

دانشگاهها به مثابه عالی‌ترین جایگاه تبلور اندیشه‌ها و تعالی افکار، مناسب‌ترین بستر پدیدآیی خلاقیت‌ها و نوآوریها و دستیابی به

ضرورتها، همه دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی و دانشگاهی را به تأمل و تفکر و چاره‌اندیشی فرا خوانده‌اند.

در یک نگاه کلی، هدف اصلی از اسلامی کردن دانشگاهها را می‌توان در هدفهای تعلیم و تربیت اسلامی خلاصه نمود. هدف‌غایی در تعلیم و تربیت اسلامی، به فلاح رسیدن انسان است. به فلاح رسیدن یعنی به نهایت رشد و کمال انسانی دست یافتن و تقرب به حق. به فلاح رسیدن یعنی آزادی از اله‌ها، بردن از وابستگی‌ها، پیوند با الله و شکوفا شدن همه جوانه‌های وجود. به فلاح رسیدن یعنی به فعلیت رسانیدن همه استعدادها بالقوه، ظهور خلاقیت‌های ذهنی و نهایت خود شکوفایی انسان. و به فلاح رسیدن یعنی متبلور شدن همه ارزشهای والای قرآنی در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان.

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه ارزشهای متعالی اسلامی و فرهنگ قرآنی، برترین اندیشه‌های علمی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوریهای علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان، به مثابه الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار می‌گردد. و این دانشگاه به عنوان ارزشمندترین، پویاترین و رفیع‌ترین منبع فرهنگی، محل توجه و مورد تأسی همه قشرهای جامعه، به‌ویژه نوجوانان و جوانان قرار می‌گیرد. چراکه اساسی‌ترین رسالت دانشگاه، در کنار دانش‌افزایی عمومی و تربیت و تأمین کارشناس و نیروی متخصص مورد نیاز نهادها و دستگاههای مختلف کشور، همانا انجام پژوهشها و چالشهای علمی و تلاش در جهت به دست گرفتن سرخ علوم و فنون نو، تکیه بر

کرسیهای رشته‌های گوناگون علمی، تولید فکر تازه و افزودن حلقه‌های جدید به زنجیره فرآورده‌ها، یافته‌های تحقیقاتی و علوم دنیای معاصر است.

حقیقت این است که دانشگاه اسلامی بدون استقرار در قله‌های علمی و ارائه تولیدات برتر فکری نمی‌تواند معنا و مفهومی در خور داشته باشد.

به هر جهت به نظر می‌رسد که بتوان فرایند اسلامی کردن دانشگاهها را بر پایه محورهای اساسی تعلیم و تربیت تشریح نمود. این محورها یا ارکان تعلیم و تربیت که شایسته است در اسلامی کردن دانشگاهها مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از:

الف) دانشجویان:

بررسی تحلیلی ویژگیهای شخصیتی دانشجویان دانشگاهها به هنگام ورود (رفتارهای ورودی)، ارزیابی نظام ارزشها، باورها، بازخوردها و نگرشهای ایشان نسبت به پدیده‌های مختلف و تبیین رفتارهای مطلوب و قابلیت‌های مورد انتظار از آنها به هنگام فراغت از تحصیل در زمینه‌های اخلاقی و فکری، توانمندی علمی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی (رفتار خروجی)، امری است بسیار مهم و ارزشمند. بدیهی است که در همین ارتباط بایسته آن است که مجموعه عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت کودکان نوجوانان و اینک دانشجویان؛ مثل: خانواده و مدرسه (از مرحله پیش دبستانی تا دبیرستان)، رسانه‌ها و پدیده‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی، آموزشهای مذهبی، مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی، محدودیت‌ها و

خدمت تمام وقت در دانشگاه دارد. ^۱ بنابراین رسالت اصلی تربیت فکری، علمی و اخلاقی و تقویت باورها و رفتارهای مذهبی و ارزشهای انقلابی دانشجویان، به گونه مستقیم یا غیر مستقیم، بر عهده استادان، در جایگاه الگوهای رفتاری برتر جامعه می باشد.

بدیهی است که در این رهگذر بالاترین توفیق از آن استادانی خواهد بود که از بیشترین اقتدار علمی و مذهبی برخوردار باشند. به بیان دیگر، داشتن باورهای عمیق دینی و رفتارهای پایدار و متعالی مذهبی، پای بندی به ارزشهای اخلاقی و حسن سلوک، همراه با برخورداری از اندیشه های ناب علمی، نوآوریهای فکری و مهارتهای ارتباطی، به کارستن شیوه های مؤثر تدریس، داشتن انگیزه های مقدس خدمت مخلصانه به اسلام و مسلمانان، سرداری جبهه های فرهنگی و رهبری دانشجویان در طریق رسیدن به قله های رفیع علمی و فنی، اساسی ترین عناصر شخصیت های مقتدر علمی و مذهبی است و بایسته ترین شرایط استقرار در جایگاه و منزلت عالی هیأت علمی و پوشیدن کسوت مقدس استادی در دانشگاه جامعه اسلامی است.

بنابراین تردیدی نیست که در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها، بیشترین ارزش به موقعیت و جایگاه استادان، به عنوان پرچمداران نهضت اسلامی کردن دانشگاهها نهاده می شود. استادان مقتدر علمی و مذهبی دانشگاهها، نه تنها می توانند بیشترین نقش را در هدایت فکری و تقویت رفتارهای مذهبی دانشجویان داشته باشند، بلکه در منزلت الگوهای مطلوب اجتماعی قادرند راهنما و الگوی رفتاری مؤثری برای نسل جوان کشور

تنگناها، نگرشهای حاکم بر جامعه و برنامه های آموزشی، تربیتی، مشاوره ای، فرهنگی و هنری تدارک دیده شده برای جوانان مورد تأمل و بازنگری قرار گیرد.

همواره رفتارهای مطلوب مذهبی از رهگذر بازخوردها، باورها و بینش مذهبی متبلور می گردد و این باورها و بینش ها که از سالهای آغازین رشد و تحول کودکان پدیدار می شوند، آمیزه ای است از دریافتهای شناختی و تجارب احساسی. از این رو لازمه تغییر و اصلاح رفتارها، ایجاد تغییرات مطلوب در نظام باورها و بازخوردهاست و این امر نیز در گرو انجام تغییرات شناختی و همراه نمودن آن با احساسات خوشایند می باشد.

بنابراین آنچه از دانشگاه اسلامی انتظار می رود این است که مطلوب ترین زمینه رشد و تبلور رفتارهای مذهبی و شکوفایی استعداد های علمی و نوآوریهای فکری دانشجویان را فراهم آورد.

ب (استادان :

مهمترین رکن از ارکان اصلی فرایند تعلیم و تربیت و به عبارتی، اسلامی کردن دانشگاهها، مجموعه هیأت علمی و استادان است. اگر دانشجویان با رفتارهای ورودی و خروجی مورد بحث، مجموعه ای متغیر باشند، هیأت علمی دانشگاهها که در واقع ستونهای ساختار اصلی دانشگاه را تشکیل می دهند، مجموعه ای نسبتاً ثابت و پایدار هستند. چنانچه هر دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی، به طور متوسط چهار تا شش سال در دانشگاه حضور نیمه وقت داشته باشد، هر عضو هیأت علمی به طور میانگین سی سال حضور و

باشند.

تجارب علمی خود را به رشته تحریر در آورند. بدیهی است که معرفی کتابهای اصیل علمی از منابع خارجی و یا به هنگام ضرورت، انتخاب بهترین آنها برای ترجمه (با عنایت به میانی فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی)، می تواند مورد توجه باشد.

در زمینه تهیه منابع درسی برای دانشجویان، بیشترین دقت می بایست در قلمرو علوم انسانی، به ویژه رشته هایی همچون: علوم تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی مبذول گردد. چرا که در این قبیل رشته ها، به خاطر متفاوت بودن با علوم محض، مثل: ریاضی و فیزیک، و فقدان یا کاستی قوانین و قواعد علمی مشخص و روشن، در بسیاری از موارد دیدگاهها و آرای شخصی مؤلف که گاه ممکن است مغایر با برخی اصول مشخص علمی و یا در تضاد با بعضی از ارزشهای فرهنگی جامعه اسلامی (که خود بر پایه منطق علمی استوار است)^۱ باشد، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تدوین کتابها منعکس می شود. از این رو در ترجمه این قبیل کتب و یا استفاده از آنها در تألیف کتابهای درسی می بایست بیشترین دقت و توجه صورت گیرد.

بدیهی است که ارزیابی چنین مواردی مستلزم همت و زحمت مداوم جمعی از استادان کارآزموده، حاذق و صبور است و این کار باید به صورت امری مستمر مورد توجه قرار گیرد. در هر حال همه تلاشها باید در این جهت باشد که علمی ترین، پرمحتواترین و تازه ترین مطالب درسی برای دانشجویان تهیه شود. بنابراین تدارک غنی ترین مطالب درسی برای دانشجویان، از اساسی ترین گامها در

شایسته آن است که استادان دین باور، متعهد، عالم، اندیشمند و مولد دانشگاهها که بیشترین مسؤلیت را در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها بر عهده دارند، بیش از پیش مورد توجه و تکریم قرار گیرند. دانشگاه بدون استادان متعهد، عالم و پویا معنای چندانی نمی تواند داشته باشد. لذا تعظیم و تکریم شخصیت و ارتقای منزلت معنوی و اجتماعی استادان متعهد و متفکر و مقتدر دانشگاهها، زمینه همانندسازی هر چه بیشتر دانشجویان و جوانان کشور را با ایشان (در دین باوری، تبلور رفتارهای مذهبی و پویایی علمی) فراهم می کند.

ج (محتوای

محتوای برنامه های آموزشی، کتابها و منابع درسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم، نقش قابل توجهی در شکل گیری اندیشه های دانشجویان دارد. از این رو باید تلاش کرد که در ارائه محتوای برنامه های آموزشی، تألیف و یا ترجمه کتابهای درسی دانشگاهی، اصیل ترین و علمی ترین دستاوردهای تحقیقاتی در اختیار فراگیران قرار گیرد. به بیان دیگر، صرف ترجمه و عرضه برخی کتابهای منتشر شده در خارج از کشور، بدون تعمق چندان در مورد علمی بودن آن، بعضاً می تواند با برداشت های ناروا همراه باشد.

در تهیه و تألیف و تدوین منابع درسی برای دانشجویان، در تمامی رشته های تحصیلی، پیش از همه، استادان متعهد و عالم دانشگاهها می بایست با اعتماد به نفس و خودباوری هر چه بیشتر تلاش نمایند تا یافته های تحقیقاتی و

جهت اسلامی کردن دانشگاههاست .

د) شرایط و موقعیت:

شرایط و موقعیت انتقال پیام ، تأثیر قابل توجهی در فرایند یادگیری دارد. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه به طور اعم و وضعیت عمومی دانشگاهها ، موقعیت جغرافیایی ، امکانات فرهنگی، تمهیدات رفاهی و تجهیزات آموزشی و آزمایشگاهی ، هر یک به سهم خود در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها تأثیر بسزایی دارد. لذا شایسته است به این قبیل عوامل مؤثر درون دانشگاهی و بیرون دانشگاهی عنایت لازم را مبذول داشت .

ه) روشها:

اتخاذ مؤثرترین روشها برای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب و ارتقای سطح علمی و فرهنگی مخاطبان، از مهمترین ارکان فرایند تعلیم و تربیت به طور اعم و اسلامی کردن دانشگاهها به طور اخص می باشد.

بسیاری از اوقات روشهای غیرمستقیم بیش از روشهای مستقیم مؤثر واقع می گردد. هرگاه انتقال پیام با احساسات خوشایند همراه گردد، یادگیری زودتر، بهتر و پایدارتر صورت می پذیرد.

توجه به نقاط مثبت شخصیت دانشجویان ، تکیه و تأکید بر توانمندیهای فکری و

فضیلت های اخلاقی ایشان در برقراری ارتباط مؤثر و متقابل و انتقال پیامهای علمی و فرهنگی ، بیشترین تأثیر را دارد. پرواضح است که تأکید بر توانمندیهای دانشجویان و تقویت احساس خود ارزشمندی و اعتماد به نفس ایشان به توسط استادان، انگیزه تلاش علمی و فرهنگی آنها را قوی تر می نماید. حال آنکه انتقادهای مستمر و انگشت گذاشتن دائمی بر ضعفها و نارساییهای احتمالی، فرایند ارتباط متقابل و مؤثر میان دانشجویان، اساتید و کارگزاران فرهنگی را تضعیف و فرایند اسلامی کردن دانشگاهها را خدشه دار می کند. پس می بایست همه روشهای مؤثر برای نزدیکی و ارتباط هر چه بیشتر دانشجویان با استادان و دانشگاهیان با کارگزاران نظام اسلامی را به کار گرفت. زیرا هر قدر که فاصله روانی، فکری، اجتماعی و سیاسی میان جوانان به طور عام و دانشجویان به طور خاص با کارگزاران و مسؤولان جامعه کمتر باشد، زمینه آسیب پذیری فرهنگی بیشتر می شود. لاجرم باید بیش از پیش بر روشهای کارآمد، اثربخش و خوشایند ارتباط تأکید نمود.

والسلام
افروز

۱- بایاید مطابق آیین نامه های مصوب این چنین باشد.

۲- قولوا لا اله الا الله تفلحوا (پیامبر اکرم ص)

خجسته میلاد ارمغان آورنده صلح و عدالت، امام زمان

علیه السلام و فرا رسیدن ماه مبارک رمضان گرامی باد